

کارکرد اقتصاد بازار در حل بیکاری ایران

محمود متوسلی*

نظر دهمرده**

تاریخ دریافت: ۸۴/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۸۴/۱۲/۱۷

چکیده

انفجار جمعیت ناشی از متولدین سال‌های ۶۲-۱۳۵۸ و بروز و ظهور آن تحت عنوان عرضه نیروی کار در طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۸ سبب شد تا میزان عرضه نیروی کار از فرصت‌های شغلی به‌نحو چشمگیری پیشی گرفته و معضل بیکاری، بویژه در میان اقشار تحصیل‌کرده و دانشگاهی با شتاب بالا گسترش یابد و سبب اتلاف منابع عظیم انسانی و رنج و فقر تعداد کثیری از جمعیت کشور شود. در این مقاله تلاش بر این است تا اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی برگرفته شده از اندیشه‌های اقتصاد بازار بر معضل بیکاری در ایران مورد بررسی قرار گیرد زیرا بین تأکیدات نگرش اقتصاد بازار و سیاست‌های مورد نظر برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه هم‌سویی مشاهده می‌شود.

نتیجه‌ای که از بررسی تطبیقی اندیشه اقتصاد بازار با اهداف و سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه ایران و بویژه برنامه سوم به‌دست آمد این بود که اهداف و ایده کلی حاکم بر بازار کار ایران، بر مبنای اقتصاد بازار طراحی شده، اما سیاست‌های اعمال شده در قالب مواد قانونی و تبصره‌های مربوط به‌اشتغال در برنامه‌های توسعه ایران به‌نقش و دخالت دولت برای ایجاد اشتغال تأکید دارد که این امر، به‌عدم تعادل بازار کار منجر می‌شود (مواد قانونی ۴۸ تا ۵۶ برنامه سوم توسعه). از طرف دیگر کارکرد تجربی مدل نئوکلاسیک که از مدل‌های اساسی اقتصاد بازار است و شامل فرم خلاصه شده یک سیستم معادلات هم‌زمان در قالب الگوی خودتوضیح‌بردار VAR نام‌نماید است، نشان داد که ضرایب متغیرهای اثرگذار بر بازار کار ایران در عین معنی‌دار بودن اثربخشی اندکی در حل بیکاری داشته‌اند.

طبقه‌بندی JEL: J64.

کلید واژه: بازار کار ایران، اقتصاد بازار، تکنیک‌های هم‌انباشتگی، توابع عکس‌العمل آنی، تجزیه واریانس.

* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران با دامنه توزیع فراگیر و گستره جغرافیایی وسیع، بیکاری است. اقتصاد ایران در نتیجه افزایش بی‌رویه و شتابان نرخ رشد جمعیت در سال‌های اولیه انقلاب با معضل ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در مقیاس بالا به‌منظور پاسخگویی به خیل جوانانی که همه ساله وارد بازار کار می‌شوند، مواجه است.

در حالی که اهداف اشتغال در سند برنامه سوم توسعه مبتنی بر ایجاد ۳/۸ میلیون فرصت شغلی جدید (متوسط سالیانه ۷۶۰ هزار نفر) تعیین شده بود، گزارش عملکرد برنامه سوم نشان‌دهنده ایجاد متوسط سالانه ۵۷۰ هزار نفر فرصت شغلی جدید است و در مجموع یک میلیون نفر (قریب به ۳۰ درصد) از اهداف برنامه صورت تحقق به‌خود نگرفته است. با احتساب ذخیره بیکاری حدود ۲/۲ میلیون نفری اولیه^۱، در مقطع پایانی یعنی ابتدای برنامه حدود ۳/۲ میلیون نفر جویای کار در اقتصاد ایران وجود داشته است. با ملحوظ داشتن افزایش سالیانه ۷۰۰ هزار نفر به عرضه نیروی کار در برنامه چهارم، در سال ۱۳۸۸ حدود ۶/۷ میلیون فرصت شغلی جدید لازم است؛ یعنی باید به‌طور متوسط سالیانه برای ۱/۳ میلیون نفر شغل ایجاد شود. ناگفته پیداست این امر با توجه به‌روند گذشته نه تنها عملی نیست، بلکه با ظرفیت‌های موجود اقتصاد ایران نیز هم‌خوانی ندارد. در این صورت مهار بیکاری طی سالیان آتی کماکان یکی از حادترین معضلات اقتصادی کشور خواهد بود. از این منظر بیکاری در ایران یک مسأله^۲ تلقی می‌شود و لذا موضوع این تحقیق قرار گرفته است.

پس از طرح مسأله، بهتر است به راهبردهای و سیاست‌های به‌کار گرفته شده برای تخفیف ابعاد موضوع پرداخت. مروری بر جهت‌گیری‌های حاکم بر سیاستگذاران اقتصاد کلان کشور موید وجود نوعی چرخش یا عدول از نگرش‌های قبلی است؛ در شرایطی که دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌تثبیت

۱- مستندات قانون برنامه سوم.

2- problem.

نظام توأم با سیاست‌های تثبیتی و حاکمیت دولتی گذشت، وجه مشخصه دوره بازسازی و پس از آن بنا به اقتضای شرایط داخلی و جهانی، رویکرد تعدیل اقتصادی و بازگشت به اصول فکری اقتصاد بازار بود. تفکر اقتصاد مرسوم در برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی کشور بویژه در بحث تولید و اشتغال حاکم شد. بر این مبنا و با نگاه به اقتصاد از جانب عرضه، اصلاح ساختار و شرایط حاکم بر تولید و شکل‌گیری سرمایه‌های مولد به منظور کاهش بیکاری ضروری تلقی می‌شود. در این تفکر، افزایش نرخ اشتغال در اثر شرایط گوناگون و منجمله رشد جمعیت، نیازمند سرمایه‌گذاری جدید و به عبارت دیگر افزایش نرخ پس‌انداز بوده و تغییر موجودی سرمایه و کارایی آن از عوامل مؤثر بر حل بیکاری است. واقعیات الگووار^۱ نیز نشان می‌دهند که با افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری کاهش می‌یابد.^۲ در این راستا تحقیق حاضر فرض کرده که:

«کارکرد اقتصاد بازار در مورد بیکاری ایران معطوف به حل مسأله نیست.»

به منظور بررسی و آزمون فرضیه مذکور، این مقاله در فصول زیر سازماندهی شده است: مروری بر دیدگاه‌های اقتصادی مختلف در مورد بیکاری، استخراج نتایج حاصل از به کارگیری این تئوریه‌ها در اقتصاد ایران از طریق انطباق مواد قانونی برنامه‌های اول تا سوم توسعه، مقایسه آماری نرخ بیکاری در دوران اصلاح ساختار اقتصادی و آزمون فرضیه با پرداختن به اثر متغیرهای مورد توجه در اقتصاد مرسوم مانند نرخ تورم، سرمایه‌گذاری، نرخ سود و GDP بر روی بیکاری.

۲- روش تحقیق

کلید آمارها و داده‌های مورد نیاز این مطالعه از منابع معتبر نظیر ILO، بانک جهانی، مرکز آمار ایران و اسناد برنامه‌های توسعه کشور استخراج شده و فاصله ۱۳۸۳-۱۳۵۸ را در برمی‌گیرد. بنا به ماهیت داده‌ها و به منظور احتساب خودکار شکست آمارها، دوره مذکور به دو بازه پیش از اصلاح ساختار اقتصادی

1- stylized facts.

2- Kruger, 1997.

(۱۳۶۸-۱۳۵۸) و پس از آن (۱۳۸۳-۱۳۶۸) تقسیم شد. اصول کلیدی حاکم بر مکاتب اقتصادی در خصوص بیکاری، در قالب جدول مقایسه‌ای ارائه شده و برای معرفی الگو و آزمون فرضیه، از تکنیک‌های معادلات هم‌زمان و روش‌های مرسوم اقتصادسنجی استفاده شده است.

همانند بسیاری از تحقیقات دیگر، این تحقیق نیز با مشکل تهیه ارقام و اطلاعات آماری با تواتر بالا روبرو بود. بسیاری از ارقام مورد نیاز محققان برای تحلیل کامل موضوع نظیر اطلاعات مربوط به نرخ فرصت‌های خالی شغلی^۱، نرخ تناسب شغل با مهارت^۲، زمان از دست رفته در بخش‌های شغلی کشور^۳، نرخ چرخش شغلی^۴، دستمزد و غیره در آمارنامه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی کشور وجود ندارد. در اختیار نبودن داده‌های فصلی متغیرهای کلان اقتصادی کشور^۵ یکی دیگر از محدودیت‌های فراروی محققان بود و لذا تلاش شد با استفاده از روش‌های پیشرفته ریاضی (مانند درون‌یابی) آمار سری زمانی متغیرهای کلان اقتصاد ایران به صورت فصلی تولید شود.

۳- پیشینه تحقیق

متون اقتصادی با مسأله بیکاری در کشورهای در حال توسعه، به دو طریق برخورد کرده‌اند: نخست طراحی الگوهای مرسوم و متداول^۶ و دوم تحلیل‌های تجربی^۷.

در تحلیل‌های تجربی نیز حسب آن که نقطه نظر محقق بر چه موضوعات یا متغیرهایی مستقر شود، تجزیه و تحلیل در قالب الگوهای فکری مختلف ارائه می‌شود. در این مقاله، ترکیبی از الگوهای مرسوم (بویژه نوع سوم آن) همراه با

1- vacancy rate.

2- matching rate .

3- wasting time rate.

4- job turnover

۵- اخیراً نتایج محاسبات بانک مرکزی از داده‌های فصلی برخی از متغیرهای کلان اقتصادی که به روش درون‌یابی بازتولید شده، انتشار یافته است.

6- formal models.

7- empirical analysis.

تحلیل‌های تجربی اقتصاد مرسوم به کار گرفته شده است. نحوه نگرش این مقاله با شیوه‌های مورد استفاده سایر محققان در تحلیل پدیده بیکاری در ایران تفاوت‌های اساسی دارد.

برخی از محققان به بررسی اشتغال در کل کشور و یا بخش‌های اقتصادی، به کمک رابطه تک معادل‌های و با هدف بیان رابطه چند متغیر توضیحی با متغیر وابسته اشتغال یا تقاضای نیروی کار صورت داده‌اند. در این راستا می‌توان به مقاله رحیم دباغ (۱۳۸۱) تحت عنوان «بررسی سیاست‌های اشتغال‌زایی کشورهای مختلف و ایران و چالش‌های پیش‌روی کشور در برنامه توسعه چهارم»، مقاله نعمت فلیحی (۱۳۷۹) تحت عنوان «برآوردهای الگوهای عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف‌پذیری بازار کار روستایی و شهری»، مقاله لیلی متقی (۱۳۷۷) ذیل عنوان «تحلیل و برآورد تقاضای اشتغال در ایران در دامنه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۵» و مقاله هادی قوامی (۱۳۸۲) تحت عنوان «بررسی تحولات ساختاری خوداشتغالی با استفاده از روش‌شناسی تجزیه طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵» اشاره نمود. مقاله غلامرضا کشاورز حداد (۱۳۸۳) با عنوان «ارزیابی پتانسیل‌های اشتغال‌زایی بخش‌های مختلف اقتصاد ایران»، برخی از مطالعات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، رساله دکترای زهرا کریمی (۱۳۷۹) تحت عنوان «نهادهای بازار کار ایران»، رساله دکترای سعید عیسی‌زاده (۱۳۷۹) تحت عنوان «منابع تأثیرگذار بر اشتغال نیروی انسانی در اقتصاد ایران»، طرح تحقیقاتی دکتر مرتضی چینی‌چیان در دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان «درآمدی بر سیاست‌های ضداشتغال» که به بررسی ساختارهای جمعیتی، آموزشی و قانونی در بیکاری ایران پرداخته است، نیز در همین زمره قرار می‌گیرند.

اغلب این مطالعات با مفروض قرار دادن ثبات سایر شرایط مؤثر بر بازار کار و طرح سناریوهایی، در قالب فروض مختلف به تخمین میزان تقاضا برای نیروی کار بر اساس روش تک معادل‌های پرداخته‌اند. این مطالعات هر چند به‌طور خاص بر مقوله اشتغال متمرکز بوده‌اند، لیکن مفروضات انعطاف‌پذیر و قابل دفاعی نداشته

و به محض تغییر در شرایط ثابت فرض شده، از میزان دقت و قابلیت اعتماد نتایج حاصله کاسته می‌شود. برخی از مطالعات فوق برای رفع مشکل، عوامل ساختاری و نهادی را در کنار سایر متغیرها وارد بحث نموده‌اند.

گروهی دیگر از مطالعات با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی کلان برای کل کشور، اشتغال را در کنار دیگر روابط موجود میان متغیرهای اقتصادی قرار داده و به تجزیه و تحلیل عمومی پرداخته‌اند. در نتیجه، روابط ارائه شده در بخش اشتغال این الگوها چندان تفصیلی نیست. الگوهای سنجی برنامه‌های دوم و سوم توسعه به خوبی بیانگر این مطلب است.

۴- مروری بر دیدگاه‌های مکاتب اقتصاد کلان در حوزه بیکاری

از آنجا که هدف اصلی مقاله بررسی عملکرد توصیه‌های سیاستی و راهبردی اقتصاد بازار در حل معضل بیکاری ایران است، می‌باید درجه انطباق اصلاحات ساختاری صورت گرفته در اقتصاد ایران با مبانی اندیشه اقتصاد بازار مورد سنجش قرار گیرد. نتایج این مقایسه تطبیقی در جدول ۱ به اختصار ارائه شده است.

۵- مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های مکاتب اقتصاد کلان اقتصاد با برنامه‌های توسعه ایران

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، از بررسی کلی ویژگی‌های عمومی فرایند تعدیل ساختار اقتصادی ایران چنین بر می‌آید که رویه‌های حاکم مبتنی بر خاستگاه اقتصاد بازار بوده و از آنجا که جنبه‌عینی و کارکردی این اندیشه‌ها در برنامه‌های توسعه ایران دیده شده است، لذا محققان به بررسی مواد قانونی برنامه‌های توسعه ایران در زمینه اشتغال و بیکاری پرداخته‌اند. جدول ۲ خلاصه‌ای از برداشتها و استنباط‌های حاصل از بررسی تطبیقی روح کلی قوانین، مواد و تبصره‌های مربوط به آزمون فرضیه خاص این مطالعه را ارائه می‌دهد.

جدول ۱- جمع‌بندی اجمالی از نظریات مربوط به مکاتب اقتصاد کلان

نظریات مربوط به بازار کار	مفروضات	نظریات بنیادین	نظریه مکتب
<p>۱- عدم دخالت دولت در وضع اشتغال کامل.</p> <p>۲- بودن اقتصاد در تعادل همراه با اشتغال کامل.</p> <p>۳- عدم بروز طولانی مدت بیکاری غیرارادی در بازار کار.</p> <p>۵- موقتی بودن عدم تعادل در بازار کار.</p> <p>۶- دستمزد واقعی علت بیکاری.</p>	<p>۱- رقابتی بودن بازار کار.</p> <p>۲- انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت.</p> <p>۳- انعطاف‌پذیری نرخ بهره.</p> <p>۴- متغیر بودن دستمزد اسمی.</p> <p>۵- برون‌زا بودن سطح قیمت‌ها.</p> <p>۶- ارادی بودن بیکاری.</p> <p>۷- عدم توهم پولی در کارگران</p>	<p>۱- آزادی شخصی</p> <p>۲- مالکیت خصوصی</p> <p>۳- حداقل دخالت دولت</p> <p>۴- خنثی بودن پول</p> <p>۵- قیمت ابزار تخصیص بهینه منابع.</p> <p>۶- نگاه به اقتصاد از جانب عرضه</p>	<p>کلاسیک و نئوکلاسیک</p>
<p>۱- دخالت دولت در بازار کار.</p> <p>۲- کمبود تقاضای مؤثر به‌عنوان علت بیکاری.</p> <p>۳- کاهش بیکاری با اجرای سیاست‌های پولی، مالی مانند کاهش مالیات‌ها، افزایش عرضه پول، افزایش خرید کالاها و خدمات توسط دولت.</p>	<p>۱- انعطاف‌ناپذیری دستمزد پولی.</p> <p>۲- چسبندگی قیمت و دستمزد.</p> <p>۳- حاکم بودن توهم پولی.</p> <p>۴- عدم تعادل در بازار کار و کالا در کوتاه‌مدت.</p> <p>۵- وجود اشتغال ناقص و بیکاری غیرارادی.</p>	<p>علاوه بر پذیرش موارد ۱، ۲ و ۵ نظریه نئوکلاسیک‌ها، موارد ذیل را مطرح می‌نمایند:</p> <p>۱- دخالت دولت</p> <p>۲- عدم خنثی بودن پول.</p> <p>۳- نگاه به اقتصاد از جانب تقاضا.</p>	<p>کینز</p>
<p>۱- بیکاری در اقتصاد در حد بیکاری طبیعی است.</p> <p>۲- بیکاری در بازار کار بیکاری ارادی است.</p> <p>۳- تورم مورد انتظار تأثیری بر بیکاری ندارد (بر اساس اصل انتظارات عقلایی).</p> <p>۴- تورم غیرانتظاری می‌تواند بیکاری را به سطحی کمتر از نرخ بیکاری برساند.</p> <p>۵- با اصلاح رفتار جستجوی شغل، بازار کار متعادل می‌شود.</p> <p>۶- بیکاری همان جستجوی شغل است لذا با رفع اطلاعات ناقص این بیکاری ارادی نیز رفع می‌شود.</p>	<p>۱- انسان بر مبنای انتظارات عقلایی تصمیم‌گیری می‌کند.</p> <p>۲- بازارها همیشه تسویه می‌شوند.</p> <p>۳- واحدهای اقتصادی بهینه‌یابی می‌کنند.</p> <p>۴- بازار کار بازار رقابت کامل است.</p> <p>۵- اطلاعات کامل در بازار کار وجود دارد.</p>	<p>۱- تسویه همیشگی بازارها.</p> <p>۲- انتظارات عقلایی مبنای تصمیم‌گیری است.</p> <p>۳- تبعیت عرضه کل از قیمت‌های نسبی.</p> <p>۴- لزوم لحاظ نمودن پایه‌های اقتصاد خردی مباحث کلان.</p> <p>۵- قیمت مبنای تخصیص بهینه منابع.</p> <p>۶- عدم دخالت دولت.</p> <p>۷- اطلاعات ناقص عامل وقوع ادوار تجاری.</p>	<p>کلاسیک جدید</p>
<p>۱- بیکاری عمدتاً بیکاری غیرارادی است.</p> <p>۲- سیاست پولی، مالی و درآمدی مناسب و محرک تقاضا می‌تواند بیکاری را کاهش دهد.</p> <p>۳- رابطه جانشینی بین تورم و بیکاری وجود دارد.</p>	<p>۱- انعطاف‌ناپذیری دستمزد پولی.</p> <p>۲- ساختار بازار کار رقابت ناقص است.</p> <p>۳- اطلاعات بازار کار ناقص است.</p> <p>۴- چسبندگی قیمت و دستمزد بر اساس تئوری‌های مربوط به قرارداد.</p>	<p>۱- تئوری‌های کلان باید دارای پایه خرد باشند.</p> <p>۲- قبول انتظارات عقلایی</p> <p>۳- دلیل چسبندگی اسمی قیمت Menu Costs است.</p>	<p>کینز جدید</p>
<p>۱- ارائه تعریف بیکاری اصطلاحاً</p> <p>۲- شوک‌های کوتاه‌مدت منجر به بیکاری می‌شود ولی در بلندمدت رفع می‌شود.</p> <p>۳- رابطه جانشینی دائم بین تورم و بیکاری وجود ندارد.</p> <p>۴- تورم انتظاری نمی‌تواند بیکاری را کاهش دهد و فقط منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود.</p>	<p>منحنی عرضه کل شیب مثبت دارد.</p>	<p>۱- آزادی فعالیت‌های اقتصادی</p> <p>۲- حاکمیت بازار آزاد.</p> <p>۳- دفاع بدون قید و شرط از انگیزش‌های سود.</p> <p>۴- عدم مداخله دخالت.</p> <p>۵- حاکمیت مطلق پول.</p>	<p>پول‌گرایان</p>

جدول ۲- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مکاتب اقتصادی در بازار کار برنامه‌های توسعه ایران

برنامه	اهداف کلی برنامه	سیاست‌های بازار کار	وجه غالب رویکرد مکتبی بازار کار
برنامه اول	۱- تجدیدنظر در نرخ ارز ۲- سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ۳- خصوصی‌سازی ۴- کاهش تصدی دولت ۵- تعدیل قیمت کالاها و خدمات و نرخ ارز ۶- ایجاد شرایط رقابتی بازار کالا و خدمات ۷- حذف تدریجی یارانه‌ها ۸- آزادسازی	۱- کاهش محدودیت‌های بازار کار ۲- تعدیل ضوابط و مقرراتی که باعث انقباض بازار کار شده است (قانون برنامه اول، ص ۶۰).	اصلاح ساختار (نهادگرایی)
برنامه دوم	۱- رفع عدم‌تعادل‌های تاریخی و پرسیافته مانند عدم‌تعادل در منابع و مصارف بودجه عدم‌تعادل در سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و عدم‌تعادل در تجارت خارجی ۲- منطقی شدن قیمت کالا، منابع سرمایه‌ی و نیروی انسانی ۳- کاهش اندازه دولت ۴- دنبال نمودن سیاست تثبیت اقتصادی (رسیدن به‌تعادل در بازارهای چهارگانه) ۵- دنبال نمودن تعدیل اقتصادی (خصوصی‌سازی، آزادسازی، کاهش تصدی دولت و کاهش محدودیت‌های بازار)	۱- تهیه لوایح اصلاحیه قانون کار (تبصره ۴۸ لایحه برنامه دوم). ۲- اصلاح بخش‌هایی از قانون کار (پیوست برنامه دوم پیشنهادی فصل ۲، ص ۵). ۳- چیز اشارات کلی به‌اهمیت اشتغال در جهت کاهش محرومیت مناطق محروم و تحقق عدالت اجتماعی سیاست خاصی در جهت تحصیل دسترسی بیکاران به‌اطلاعات بازار کار و فرصت‌های شغلی بلاتصدی اتخاذ نشده است و اصلاح ساز و کار جستجوی شغل اساساً موضوعی نیست که به‌آن توجه شده باشد.	اصلاح ساختار
برنامه سوم	۱- تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی ۲- سازماندهی شرکت‌های دولتی ۳- گسترش تولید و سرمایه‌گذاری ۴- ساماندهی بازارهای مالی ۵- آمایش سرزمین ۶- نظام تأمین و رفاه اجتماعی ۷- هدفمند نمودن یارانه ۸- توجه به‌اشتغال و صادرات غیرنفتی و ... ۹- کاهش نرخ تورم با استفاده از ابزارهای پولی ۱۰- برقراری امنیت سرمایه‌گذاری ۱۱- تنظیم بدهی‌های خارجی و تنظیم آن	۱- تجدیدنظر اساسی در قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار (سند برنامه سوم، ص ۱۳۳-۱۳۲). ۲- آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح گوناگون. ۳- محدود کردن ورود کارکنان خارجی و تسهیل خروج نیروی کار و متخصص ۴- اصلاح ابعاد و ساختار شاغلان بخش دولتی و کاهش آن ۵- تأمین امنیت شغلی ۶- تعیین مزد براساس نرخ تورم و ارتباط بین مزد و بهره‌وری ۷- تقویت‌ساز و کار جستجوی شغل از طریق حمایت از مراکز خدمات اشتغال و توجه به‌ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی بازار کار و مراکز مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی ۸- توجه به‌آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۹- انجام انواع حمایت‌های مالی و مالیاتی عمومی از سرمایه‌گذاران در طرح‌های اشتغال‌زا به‌جای ایجاد شغل به‌طور مستقیم از طریق مذاکره با کارفرمایان و ارائه مستقیم برای حل بیکاری ۱۰- تأکید بر ایجاد اشتغال در صنایع کوچک، تبدیلی و روستایی و نظایر آن. ۱۱- حمایت از طرح‌های کارآفرینی و خوداشتغالی ۱۲- گسترش طرح‌های کشتاورزی و دامپروری و ساختمان‌سازی و طرح‌های صنعتی جهت افزایش اشتغال	به‌تبعیت از اهداف کلی برنامه، اهداف بازار کار برنامه سوم نیز بر اصلاح ساختارها و تأکید بر نهادگرایی بوده است و هر جا بحث حمایت از بازار کار برای رفع بیکاری غیرآزادی بوده است می‌توان به‌راهکارهای مکتب کینز اشاره نمود، مثل مورد ۹
برنامه چهارم	۱- تمامی اهداف برنامه سوم با تأکید بیشتر بر موارد ذیل: الف - کاهش تصدی‌های دولتی و واگذاری بخشی از وظایف دولت به‌بخش غیردولتی ب - ایجاد امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری پ - هدفمند نمودن یارانه ۲- اجرای مالیات بر ارزش افزوده (VAT)	۱- دنبال کردن سیاست‌های اشاره شده در برنامه سوم توسعه ۲- تدوین سند ملی توسعه بازار کار ۳- افزایش فرصت‌های شغلی به‌وسیله FDI ۴- بازنگری قوانین مربوط به‌بازار کار ۵- ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با قابلیت هر منطقه از طرق توسعه شبکه‌های زیربنایی و زیرساختی ۶- حمایت اجتماعی از شاغلین ب ۰۰۰ از کار غیررسمی ۷- ایجاد فضای رقابتی در استخدام‌های دولتی	نیوکینزی و نهادگرایی

یکی از اهداف این مقاله با توجه به فرضیه مطرح شده، جستجوی پاسخی برای این سؤال بود که آیا سیاست‌های اعمال شده در برنامه‌های توسعه ایران، براساس اندیشه اقتصاد بازار بوده و در صورتی که جواب مثبت است، موفقیتی را به‌همراه داشته است یا خیر؟

نگاهی به جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ذهنیت غایی برنامه‌ریزان مبتنی بر رویکرد اقتصاد بازار بود؛ تأکید بسیار بر کاهش اندازه دولت، خصوصی‌سازی، حذف تدریجی یارانه‌ها و نظایر آن موید این ادعاست. لیکن در مجموع عدم توجه کافی و بایسته به مقوله اشتغال یکی از نقاط ضعف این برنامه‌ها بوده است. به این معنا که طی دو برنامه اول توجه چندانی به تحولات آتی کشور منجمله بحران بیکاری پیش‌بینی نشد و یا در صورت درک ابعاد مسأله، راهکار مقابله مؤثر و فوری برای آن اندیشیده نشد.

برنامه سوم توسعه یکی از جامع‌ترین و علمی‌ترین بسته‌های برنامه‌ای طراحی شده تاکنون قلمداد می‌شود. در این برنامه به صورت جامع در چندین سند، اهداف، تنگناها، فرصت‌ها، تهدیدها و امثالهم در هر بخش استخراج شده و براساس آن، اهداف کلان کشور تدوین شد. حتی در این برنامه نیز نظرات غالب را تفکرات اقتصاد بازار تشکیل می‌داد. علاوه بر تأکید بر کاهش اندازه دولت و خصوصی‌سازی، مواردی از تفکرات کینزی (نیوکینزی) نیز در برخی بندها قابل مشاهده است. برای مثال هدفمند نمودن یارانه (به‌عنوان یک سیاست مالی) و کاهش نرخ تورم با استفاده از ابزارهای پولی نمونه‌ای از اهداف برنامه سوم توسعه است که در قالب تفکرات کینزینی قرار می‌گیرد. از بارزترین نشانه‌های ورود تفکر کینزی (نیوکینزی) در این برنامه، ماده ۴۹ قانون برنامه است که اشاره به انواع حمایت‌های مالی (مالیاتی و یارانه مستقیم) برای حل بیکاری دارد. برنامه چهارم توسعه نیز با همان رویکرد و اهداف برنامه سوم تدوین شد؛ یعنی رویکرد و روح کلی برنامه مبتنی بر نظریه‌های اقتصاد بازار است. با تحلیل در مواد قانونی بازار کار برنامه سوم توسعه ایران (مواد ۴۸ تا ۵۶) می‌توان نتیجه گرفت که دولت نقش اصلی را در رفع بیکاری ایران و در تنظیم سیاست بازار کار به‌عهده دارد.

حال با استناد به مباحث فوق می‌توان به سؤالات مطرح شده در ابتدای این بخش پاسخ داد. بر اساس جدول شماره ۲ می‌توان ادعا کرد که به‌طور کلی روح حاکم بر قوانین برنامه‌های تدوین شده در ایران بر مبنای رویکرد اقتصاد بازار بوده است. به عبارت دیگر اهداف کلان کشور بر مبنای تفکرات اقتصاد بازار تدوین شده، در حالی که اهداف بخشی و سیاست‌های اعمال شده در آن (مانند بازار نیروی کار) بر مبنای تفکرات اقتصاد متمرکز و دخالت دولت شکل گرفته است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های پیشنهادی و تئوری‌های مطرح شده توسط سیاست اصلاح ساختار اقتصادی بر مبنای تفکر اقتصاد بازار در بخش بازار کار ایران استفاده نشده است و نمی‌توان صحت و سقم آزمون فرضیه را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که آیا این تئوری معطوف به حل بیکاری ایران شده است یا خیر. لذا در جدول شماره ۳ شرایط عدول بازار کار ایران از اقتصاد بازار مشخص شده است.

جدول ۳- بررسی شرایط عدول از اقتصاد بازار در بازار کار ایران

سیاست‌های همسو با اقتصاد بازار، در بازار کار ایران	سیاست عدول از اقتصاد بازار، در بازار کار ایران	دیدگاه	مکتب
۱- تقویت ساز و کار جستجوی شغل از طریق حمایت از مراکز خدمات اشتغال و توجه به ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی بازار کار و مراکز مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی.	۱- حمایت‌های مالی و مالیاتی از سرمایه‌گذاران در طرح‌های اشتغال‌زا. ۲- محدود کردن ورود کارکنان خارجی. ۳- تعیین مزد بر اساس نرخ تورم و ارتباط با بهره‌وری. ۴- تأکید بر ایجاد اشتغال در صنایع کوچک، تبدیلی و روستایی ۵- حمایت از طرح‌های کارآفرینی و خوداشتغالی. ۶- حمایت از طرح‌های کشاورزی و صنعتی اشتغال‌زا.	اقتصاد بازار منجر به تعادل در بازار کار می‌شود و نباید دولت دخالت کند. طبق این دیدگاه اقتصاد بازار همواره منجر به تسویه در بازارها می‌شود و شکست بازار را قبول ندارد.	کلاسیک‌ها
-	-	اقتصاد بازار نمی‌تواند منجر به تسویه بازار و رسیدن به تعادل در بازار کار شود. لذا دولت باید در بازار کار دخالت نموده و اقداماتی در جهت رسیدن سریعتر به تعادل انجام دهد.	کینزین‌ها

۶- مدل تجربی برای آزمون فرضیه

شناخت مجموعه عوامل اثرگذار بر متغیرهای بازار کار از جمله اشتغال، مستلزم طراحی یک الگوی پویای کامل است. به این منظور با یک رویکرد نئوکلاسیکی عوامل مؤثر بر نوسانات متغیرهای کلان مؤثر بر بازار نیروی کار در این بخش از مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مدل مورد برآورد شامل فرم تقلیل یافته یک سیستم معادلات هم‌زمان دربردارنده اثر متغیرهای متنوع اثرگذار بر سطح اشتغال است که با توجه به داده‌های فصلی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۰ و با استفاده از یک الگوی خود توضیح‌برداری VAR نامقید مورد برآورد قرار می‌گیرد. لازم بذکر است که داده‌های فصلی با استفاده از نرم‌افزار MATLAB توسط تابع Spline درون‌یابی شده است.

چارچوب تئوریک مدل مورد استفاده براساس مدل (Sarati, Amisano (۱۹۹۹) است. مدل مورد نظر یک مدل ساختاری بر پایه خرد است که از اندیشه‌های Layard, Nickell و Jackman اقتباس شده و نوعاً یک اقتصاد ساده متشکل از تعداد زیادی بنگاه حداکثرکننده سود انتظاری را در نظر می‌گیرد که در همین چارچوب اقدام به تعیین قیمت‌ها و سطح تولید می‌کنند. علاوه بر این دستمزدها در ساختار رقابت انحصاری تعیین شده و تابعی از هر دو گروه عوامل درونی و بیرونی مانند شدت و مدت زمان منافع بیکاری است. همچنین عوامل برونزایی چون مالیات بر نیروی کار و فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری نیز بر سطح دستمزدها مؤثر می‌باشند.

۱-۶- تصریح الگو

معادلات مدل به شرح زیر می‌باشند:

$$y_t = \alpha n_t + (1 - \alpha)k_t + \varepsilon_t, \quad \varepsilon_t = \frac{\eta_t^\varepsilon}{1 - \rho_\varepsilon L}, \quad \eta_t^\varepsilon \sim w.n(0, \sigma_\varepsilon) \quad (1)$$

$$y_t = \alpha x_t + \psi(m_t - p_t) + \theta_t, \quad \theta_t = \frac{\eta_t^\theta}{1 - \rho_\theta L}, \quad \eta_t^\theta \sim w.n(0, \sigma_\theta) \quad (2)$$

$$p_t = w_t + \beta(y_t - k_t) + v_t, \quad v_t = \frac{\eta_t^v}{1 - \rho_v L}, \eta_t^v \sim w.n(0, \sigma_v), \beta = \frac{1 - \alpha}{\alpha} \quad (۳)$$

$$w_t = p_t^e + \alpha\beta k_t - \alpha\beta\lambda n_{t-1} - (1 - \lambda)\alpha\beta l_t^e + kUB_t + \mu LT_t + \eta_t^w, \eta_t^w \sim w.n(0, \sigma_w) \quad (۴)$$

$$l_t = \gamma n_{t-1} + \gamma l_{t-1} - \xi(w - p)_t^e - \xi LT_t + \phi UB_t + \eta_t^l, \eta_t^l \sim w.n(0, \sigma_l) \quad (۵)$$

$$u_t \equiv l_t - n_t \quad (۶)$$

در روابط بالا α و λ پارامترهای غیرمنفی کوچک‌تر از یک هستند. $(0 < \alpha < 1, 0 < \lambda < 1)$ و پارامترهای $\gamma, k, u, \xi, \sigma, \psi$ انتظار می‌رود که غیرمنفی باشند.

L عملگر تفاضلی و اندیس e اشاره به شرایط انتظاری یا مقدار مورد انتظار براساس اطلاعات یک دوره قبل دارد.

شرح معادلات فوق به صورت زیر است:

معادله (۱) فرم لگاریتمی معادله تابع تولید با بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است.

معادله (۲) معادله تقاضای کل به دست آمده از سیستم معادلات IS-LM است.

معادله (۳) معادله تعیین قیمت است.

معادله (۴) معادله تعیین دستمزد است. در این معادله نرخ دستمزد واقعی انتظاری به صورت مجموع وزنی از ترکیب دو جزء $n_t^e = n_{t-1}$ و $n_t^e = l_{t-1}$ به دست می‌آید:

$$w_t - p_t^e = \lambda(w_t - p_t^e : n_t^e = n_{t-1}) + (1 - \lambda)(w_t - p_t^e : n_t^e = l_t^e) \quad (۷)$$

با جایگزینی منافع بیکاری و شاخص مالیات به معادله (۶) رابطه (۷) به دست می‌آید.^۱

۱- از رابطه (۱) خواهیم داشت:

$$y_t = \alpha n_t + (1 - \alpha)k_t \Rightarrow y_t = \alpha n_t + k_t - \alpha k_t \Rightarrow k_t - y_t = \alpha(k_t - n_t)$$

همچنین از رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$y_t = \alpha x_t + \psi(w_t - p_t) \Rightarrow y_t = \alpha x_t + \psi w_t - \psi p_t \Rightarrow w_t - p_t = \frac{y_t - \alpha x_t}{\psi} = \beta(k_t - y_t)$$

با جایگذاری عبارت $w_t - p_t = \beta(k_t - y_t)$ در رابطه $k_t - y_t = \alpha(k_t - n_t)$ خواهیم داشت:

$$k_t - y_t = \alpha(k_t - n_t) \Rightarrow w_t - p_t = \alpha\beta(k_t - n_t)$$

مدل تصریح شده شامل ۷ متغیر به شرح ذیل است:

دستمزد (w_t)، میزان اشتغال (n_t)، میزان نیروی کار (l_t)، موجودی سرمایه بخش خصوصی (k_t)، مالیات بر نیروی کار (LT_t)، شاخص سیاست پولی (m_t)، شاخص سیاست مالی (x_t) و شاخص منافع بیکاری (UB_t). در مدل متغیرهای دستمزد (w_t)، میزان اشتغال (n_t) و میزان بیکاری (u_t) به صورت درونزا در نظر گرفته شده و سایر متغیرها برونزا خواهند بود. علاوه بر این متغیرهای مجازی به منظور نشان دادن اثر تحولات و شوک‌هایی مانند انقلاب، شروع برنامه تعدیل و شوک نفتی در مدل لحاظ شدند. با در نظر گرفتن تعداد وقفه‌های بهینه برای مدل با استفاده از معیار آکاییک (AIC) شکل گسترش یافته مدل برآوردی به صورت زیر خواهد بود:

$$\Delta y_t = B_1 \Delta y_{t-1} + B_2 \Delta y_{t-2} + \dots + B_{p-1} \Delta y_{t-p+1} + \Pi_{t-p} + u_t \quad (8)$$

که در آن p تعداد وقفه بهینه انتخاب شده است.

۲-۶- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

به منظور برآورد ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت و کوتاه‌مدت تحت بررسی از نرم‌افزار Eviews 4.0 استفاده شده و نتایج در جدول شماره ۴ خلاصه شده است. در مورد نتایج به دست آمده و کاربرد الگوی تصحیح خطا (VAR) به این نکته باید توجه کرد که در تخمین به این روش و اساساً، در تخمین دستگاه معادلات و ضرایب و در حد توضیح دهندگی پارامترها، این الگو اهمیت روش‌های تک‌معادل‌های را ندارد. بر این اساس از توابع عکس‌العمل ضربه‌پاسخ و تجزیه واریانس برای تحلیل نتایج استفاده می‌شود. علاوه بر این در الگوی برآوردی ضرایب α نشان‌دهنده سرعت تعدیل تعادل کوتاه‌مدت به تعادل بلندمدت است.

قبل از تحلیل نتایج بار دیگر به معرفی متغیرهای الگو به صورت لگاریتمی می‌پردازیم. در این مدل LNEMP برای اشتغال، LNLF تعداد نیروی کار، LNAW شاخص دستمزد، LNTX مالیات بر حقوق و دستمزد، LNK موجودی سرمایه بخش خصوصی، LNMR شاخص وضعیت پولی، LNROX شاخص وضعیت سیاست مالی و 68D، 57D و 77D متغیرهای مجازی به ترتیب

نشان‌دهنده اثر شوک انقلاب، شروع برنامه تعدیل اول و شوک نفتی سال ۷۷ است. شاخص منافع بیکاری (UB_t) به علت فقدان داده‌های آماری در ایران حذف شد.

در جدول شماره ۴ ضرایب الگوی بلندمدت براساس متغیر اشتغال نرمالیزه شده است. نتایج الگو دلالت بر قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل دارد؛ به طوری که حدود ۹۸ درصد از تغییرات مدل توسط متغیرهای توضیحی، بیان می‌شود. وقفه‌های اول و دوم متغیر اشتغال و تعداد نیروی کار و دستمزد روی اشتغال در الگوی تصحیح خطا لحاظ شده‌اند.

برآورد الگوی کوتاه‌مدت مورد نظر به صورت زیر است:

$$\begin{aligned} D(\text{LNEMP}) = & - 0.003701931052 * (\text{LNEMP}(-1)) - 2.548516309 * \\ & \text{LNLNF}(-1) + 0.3703144634 * \text{LNAW}(-1) + 24.45920612) + \\ & 1.408186624 * D(\text{LNEMP}(-1)) - 0.733902154 * D(\text{LNEMP}(-2)) - \\ & 0.1777897129 * D(\text{LNLNF}(-1)) + 0.3247421925 * D(\text{LNLNF}(-2)) + \\ & 0.04324613706 * D(\text{LNAW}(-1)) - 0.03725729146 * D(\text{LNAW}(-2)) + \\ & 0.01214721733 - 0.00109487901 * \text{LNK} - 0.00204227923 * \text{LNMR} + \\ & 0.0004873204911 * \text{LNTX} + 0.0006701057706 * \text{LNROEXP} - \\ & 8.730715938e-05 * D57 + 0.0007472198566 * D68 - 6.065435778e-05 \\ & * D77 \end{aligned}$$

براساس نتایج به دست آمده در الگوی تصحیح خطا (جدول شماره ۴) ملاحظه می‌شود که ضریب تصحیح خطای برآوردی در عین معنی‌دار بودن، دلالت بر سرعت بسیار پایین تعدیل تعادل کوتاه‌مدت به تعادل بلندمدت دارد. به طوری که در هر دوره تنها حدود ۰/۰۳۷ درصد از خطای عدم تعادل دوره قبل تصحیح می‌شود. نتیجه به دست آمده دلالت بر این امر دارد که در صورت بروز هر گونه عدم تعادل در بازار نیروی کار مدت زمان بسیار طولانی لازم است تا عدم تعادل مورد نظر برطرف شود. بنابراین ساز و کارهای موجود در بازار نیروی کار قادر نخواهد بود عدم تعادل این بازار را با سرعت مرتفع کند.

اثر متغیرهای برونزای مدل در کوتاه‌مدت به‌صورت زیر است:

۱- ضریب برآوردی برای متغیر مالیات از نظر آماری معنی‌دار بوده ولی اثر مثبت و ناچیزی بر تغییرات اشتغال دارد، به‌طوری‌که تغییر یک واحدی مالیات نوسانات (تغییرات) ناچیزی در اشتغال تنها به‌اندازه $0/00084$ واحد پدید خواهد آورد.

۲- ضریب برآوردی برای متغیر موجودی سرمایه بخش خصوصی از نظر آماری معنی‌دار و دارای اثر منفی بر نوسانات اشتغال است؛ به‌طوری‌که با یک واحد افزایش در سرمایه بخش خصوصی شاهد کاهشی به‌اندازه $0/00109$ واحد در نوسان اشتغال می‌باشیم.

۳- ضریب برآوردی برای متغیر شاخص سیاست پولی نیز در عین معنی‌داری دارای اثر مثبت و نسبتاً ناچیزی معادل $0/002042$ واحد بر نوسانات اشتغال است. ضریب به‌دست آمده دلالت بر این امر دارد که یک واحد تغییر در حجم پول به‌اندازه $0/00242$ واحد نوسانات اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴- ضریب برآوردی برای شاخص سیاست مالی نیز موید اثر مثبت و ناچیزی معادل $0/00067$ بر نوسانات اشتغال است. نتایج دو قسمت اخیر دلالت بر تأثیر ناچیز سیاست‌های پولی و مالی بر نوسانات اشتغال در کوتاه‌مدت دارد.

بالاخره از میان متغیرهای مجازی انقلاب، شوک نفتی و برنامه تعدیل سال ۱۳۶۸ تنها متغیر مجازی برنامه تعدیل دارای اثر معنی‌داری بر نوسانات اشتغال است؛ این اثر مثبت و معادل $0/00074$ واحد است. این نتیجه دلالت بر این واقعیت دارد که شروع برنامه‌های تعدیل در سال ۱۳۶۸ در کوتاه‌مدت اثر چندان قابل توجهی بر سطح اشتغال نگذاشته است.

۳-۶- توابع عکس‌العمل آنی (ضربه - پاسخ)

با توجه به‌اهمیت و کاربرد الگوهای تصحیح خطا در پیش‌بینی، تجزیه و تحلیل رفتار توابع عکس‌العمل آنی اهمیت بسیار دارد. در توابع عکس‌العمل آنی، اثر یک انحراف معیار تکانه متغیر درونزا بر روی سایر متغیرهای درونزای الگو مورد بررسی

قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۵ نشان‌دهنده مقادیر مربوط به تابع عکس‌العمل آنی متغیر اشتغال است. نتایج جدول نشان می‌دهد یک تغییر ناگهانی یا تکانه به‌اندازه یک انحراف معیار در متغیر اشتغال در دوره اول (فصل اول) اثر بسیار ناچیزی بر روی این متغیر می‌گذارد. این اثر همچنان در فصول دیگر نیز ناچیز باقی می‌ماند.

ستون دوم جدول، اثر تکانه وارد بر اشتغال از بابت متغیر تعداد نیروی کار را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول ملاحظه می‌شود، چنانچه رشد نرخ نیروی کار به‌اندازه یک انحراف معیار افزایش یابد، در فصل اول هیچ‌گونه اثری بر اشتغال نخواهد گذاشت. علاوه بر این اثرات در دوره‌های بعدی نیز ناچیز خواهد بود.

ستون سوم جدول اثر تکانه وارد بر اشتغال را از طرف متغیر دستمزد نشان می‌دهد. براساس جدول چنانچه رشد دستمزد به‌اندازه یک انحراف معیار افزایش یابد، در فصل اول هیچ‌گونه اثری بر اشتغال نخواهد گذاشت. همچنین این اثرات در فصول بعدی نیز بسیار ناچیز خواهد بود.

نمودار شماره ۱ اثر تکانه وارد بر الگو و پاسخ اشتغال به‌این تکانه‌ها را تا بیست دوره نشان می‌دهد. بر اساس نمودار اثر تکانه‌های وارد بر الگو به‌سرعت تعدیل نمی‌شوند، به‌طوری‌که اثر تکانه وارده از سوی اشتغال بر خود این متغیرها تا دوره پنجم افزایش و سپس تا دوره هفدهم کاهش می‌یابد تا به‌ثبات برسد و بعد از آن مجدداً به‌صورت منفی بر اشتغال اثر می‌گذارد.

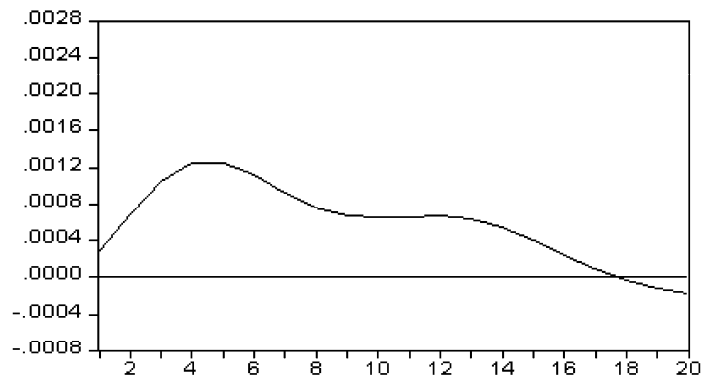
علاوه بر این اثر تکانه وارده بر اشتغال از سوی متغیر تعداد نیروی کار تا چهار دوره اول ناچیز و بعد از آن با نرخ فزاینده‌ای افزایش پیدا می‌کند که دلالت بر بی‌ثباتی سیستم دارد. اثر تکانه وارده بر روی اشتغال از سوی دستمزد دلالت بر افزایش بودن این اثر تا دوره ششم داشته و پس از آن تا دوره نهم کاهش یافته و به‌ثبات رسیده، سپس در جهت مخالف کاهش و پس مجدداً افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که حرکت سینوسی شکل را دنبال می‌کند ولی در کل، حالت با ثباتی را طی می‌کند.

جدول ۴- نتایج حاصل از تخمین کوتاه‌مدت و بلندمدت

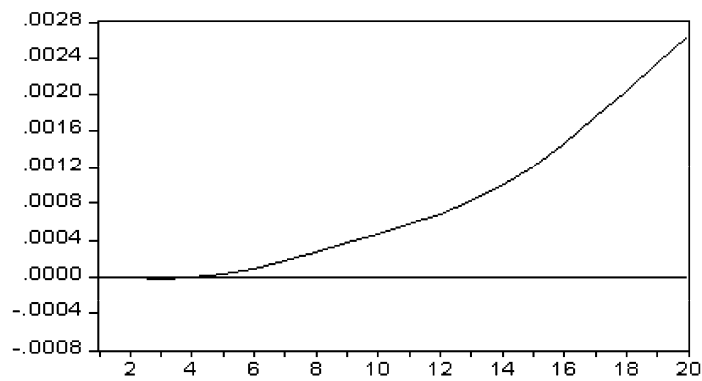
Vector Error Correction Estimates
 Date: 04/10/05 Time: 13:47
 Sample(adjusted): 1358:4 1379:4
 Included observations: 85 after adjusting endpoints
 Standard errors in () & t-statistics in []

Cointegrating Eq:	CointEq1	Error Correction:	D(LNEMP)
LNEMP(-1)	1.000000	LNMR	-0.002042 (0.00063) [-3.25292]
LNLNF(-1)	-2.548516 (0.33924) [-7.51233]		
LNAW(-1)	0.370314 (0.06853) [5.40372]	LNTX	0.000487 (0.00015) [3.30187]
C	24.45921		
Error Correction:	D(LNEMP)		
CointEq1	-0.003702 (0.00143) [-2.59709]	LNROEXP	0.000670 (0.00018) [3.67893]
D(LNEMP(-1))	1.408187 (0.06192) [22.7403]		
D(LNEMP(-2))	-0.733902 (0.05211) [-14.0834]	D57	-8.73E-05 (0.00034) [-0.26032]
D(LNLNF(-1))	-0.177790 (0.23487) [-0.75696]	D68	0.000747 (0.00019) [4.03033]
D(LNLNF(-2))	0.324742 (0.25209) [1.28820]	D77	-6.07E-05 (0.00018) [-0.32831]
D(LNAW(-1))	0.043246 (0.01164) [3.71670]	R-squared	0.988348
D(LNAW(-2))	-0.037257 (0.01150) [-3.23901]	Adj. R-squared	0.986017
C	0.012147 (0.00355) [3.42489]	Sum sq. resids	5.87E-06
LNK	-0.001095 (0.00040) [-2.74903]	S.E. equation	0.000290
		F-statistic	424.0936
		Log likelihood	580.1438
		Akaike AIC	-13.29750
		Schwarz SC	-12.86644
		Mean dependent	0.006466
		S.D. dependent	0.002449
		Determinant Residual Covariance	1.21E-22
		Log Likelihood	1807.697
		Log Likelihood (d.f. adjusted)	1782.942
		Akaike Information Criteria	-39.44279
		Schwarz Criteria	

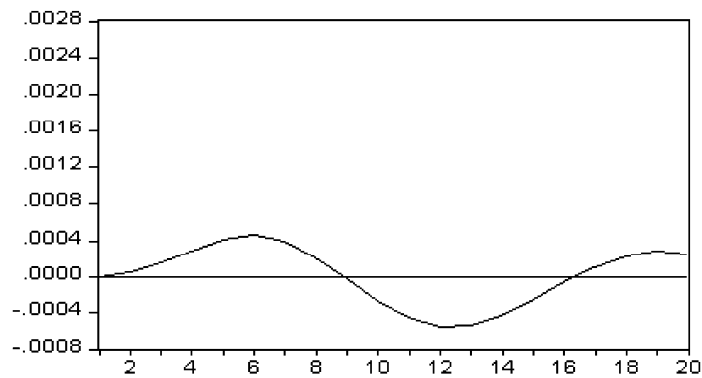
Response of LNEMP to LNEMP



Response of LNEMP to LNLF



Response of LNEMP to LNAW



نمودار ۱- نمودار تابع عکس‌العمل لحظه‌ای

جدول ۵- عکس‌العمل لحظه‌ای نسبت به تکانه‌های وارد از طرف متغیرهای درونزا

Response of LNEMP:			
Period	LNEMP	LNLF	LNAW
1	0.000290	0.000000	0.000000
2	0.000732	-2.39E-06	3.33E-05
3	0.001163	2.81E-06	0.000108
4	0.001452	2.71E-05	0.000206
5	0.001534	7.54E-05	0.000289
6	0.001419	0.000143	0.000319
7	0.001169	0.000221	0.000273
8	0.000867	0.000296	0.000155
9	0.000584	0.000365	-1.06E-05
10	0.000363	0.000431	-0.000182
11	0.000215	0.000506	-0.000318
12	0.000126	0.000605	-0.000388
13	6.99E-05	0.000742	-0.000380
14	2.25E-05	0.000926	-0.000302
15	-3.26E-05	0.001157	-0.000178
16	-0.000102	0.001427	-4.02E-05
17	-0.000188	0.001720	8.16E-05
18	-0.000289	0.002021	0.000164
19	-0.000407	0.002316	0.000196
20	-0.000548	0.002596	0.000177

۴-۶- تجزیه واریانس

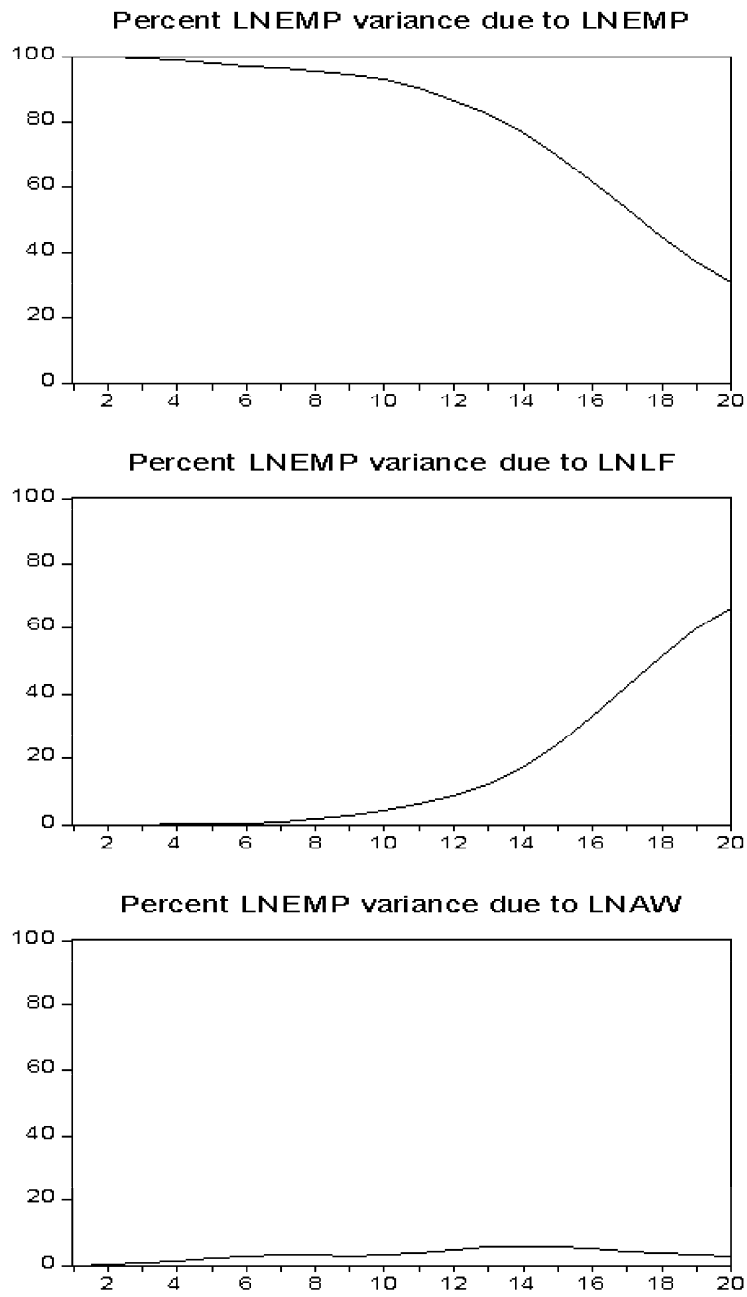
با استفاده از تجزیه واریانس (VDCs) سهم تکانه‌های وارد شده بر متغیرهای مختلف الگو، در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص می‌شود. به‌طور مثال اگر متغیری مبتنی بر مقادیر با وقفه خود به‌طور بهینه قابل پیش‌بینی باشد، آنگاه واریانس خطای پیش‌بینی تنها براساس تکانه‌های وارد بر آن متغیر شرح داده می‌شود. با تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی سهم نوسانات هر متغیر در واکنش به تکانه وارد شده به متغیرهای الگو تقسیم می‌شوند. به این ترتیب قادر خواهیم بود سهم هر متغیر را بر روی تغییرات متغیرهای دیگر در طول زمان اندازه‌گیری کنیم. جدول شماره ۶ به تفکیک

واریانس خطای پیش‌بینی متغیر اشتغال را برای ۲۰ دوره (فصل) نشان می‌دهد. به این معنی که در طول این ۲۰ فصل سهم هر یک از متغیرهای اشتغال، نیروی کار و دستمزد در تغییرات اشتغال در کوتاه‌مدت (فصل اول) میان‌مدت (فصل دوم تا پنجم) و بلندمدت (از فصل پنجم به بعد) چیست. نتایج تجزیه واریانس دلالت بر آن دارد که در کوتاه‌مدت مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نوسانات اشتغال، خود متغیر اشتغال است. در میان‌مدت اگرچه سهم متغیر تعداد نیروی کار در نوسانات اشتغال افزایش می‌یابد، لیکن همچنان سهم متغیر دستمزد ناچیز است. در بلندمدت حداکثر ۶ درصد نوسانات اشتغال را می‌توان به متغیر دستمزد نسبت داد، در بلندمدت به تدریج سهم اشتغال در نوسانات اشتغال کاهش می‌یابد (حدود ۳۰ درصد) و سهم متغیر نیروی کار به حدود ۶۶ درصد افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۶- تجزیه واریانس اشتغال

Period	S.E.	LNEMP	LNLF	LNAW
1	0.000290	100.0000	0.000000	0.000000
2	0.000788	99.82081	0.000923	0.178265
3	0.001409	99.35156	0.000686	0.647758
4	0.002034	98.64455	0.018096	1.337353
5	0.002565	97.79359	0.097780	2.108629
6	0.002952	96.93362	0.309756	2.756625
7	0.003194	96.17347	0.741438	3.085090
8	0.003327	95.46226	1.476993	3.060742
9	0.003397	94.49105	2.573121	2.935831
10	0.003449	92.80958	4.062025	3.128400
11	0.003507	90.13995	6.009895	3.850157
12	0.003582	86.52485	8.609184	4.865963
13	0.003678	82.08643	12.23080	5.682768
14	0.003805	76.70739	17.35152	5.941083
15	0.003981	70.07479	24.29759	5.627628
16	0.004230	62.11744	32.88964	4.992924
17	0.004571	53.36760	42.32448	4.307913
18	0.005009	44.77625	51.52885	3.694895
19	0.005537	37.18371	59.66756	3.148728
20	0.006143	31.01052	66.34808	2.641395

Variance Decomposition



نمودار ۲- نمودار تجزیه واریانس

۷- نتایج

الگوی اقتصاد بازار سهم مهمی در جهت‌گیری‌های برنامه‌های عمرانی کشورهای جهان سومی، مخصوصاً در دهه ۱۹۸۰ داشته است و خاستگاه تئوریک سیاست‌های تحت عنوان اصلاح ساختار اقتصادی که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توصیه می‌شد، بوده است.

در این مقاله تلاش شد تا سیاست‌های پیشنهادی مورد تأکید این مکتب فکری در زمینه بیکاری شناخته شود زیرا بین تأکیدات نگرش اقتصاد بازار و سیاست‌های مورد نظر برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصاد ایران، هم‌سویی مشاهده می‌شود.

سعی محقق در این تحقیق بر این است تا این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که آیا اهداف و سیاست‌های اعمال شده تحت عنوان اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران، بر مبنای اندیشه اقتصاد بازار بوده است یا خیر و اگر بوده است آیا در بازار کار ایران موفقیتی را به‌همراه داشته است یا خیر؟

نتیجه‌ای که از بررسی تطبیقی اندیشه اقتصاد بازار با اهداف و سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه ایران و بویژه برنامه سوم به‌دست آمد این بود که اهداف و ایده کلی حاکم بر بازار کار ایران، بر مبنای اقتصاد بازار طراحی شده، اما سیاست‌های اعمال شده در قالب مواد قانونی و تبصره‌های مربوط به اشتغال در برنامه‌های توسعه ایران به‌نقش و دخالت دولت برای ایجاد اشتغال تأکید دارد که این امر، به‌عدم تعادل بازار کار منجر می‌شود (مواد قانونی ۴۸ تا ۵۶ برنامه سوم توسعه).

از طرف دیگر کارکرد تجربی مدل نئوکلاسیک که از مدل‌های اساسی اقتصاد بازار است و شامل فرم خلاصه شده یک سیستم معادلات هم‌زمان در قالب الگوی خود توضیح برداری VAR نام‌نماید است، نشان داد که:

۱- ضریب تصحیح خطای برآوردی مدل، در عین معنی‌دار بودن دلالت بر سرعت بسیار پایین تعادل کوتاه‌مدت به‌تعادل بلندمدت دارد، به‌طوری‌که در هر دوره تنها حدود ۰/۳۷ درصد از خطای عدم تعادل دوره قبل تصحیح می‌شود و

بازگشت به ثبات بازار کار را با مشکل مواجه می‌سازد.

۲- اثرگذاری شاخص سیاست‌های مالی و پولی در عین معنی‌دار بودن، بر نوسانات اشتغال ناچیز است و این از دو جهت قابل بررسی است اول آن که با توجه به ساختار اقتصاد ایران که درصد قابل توجهی از مالیات بر حقوق و دستمزد توسط شاغلین بخش دولتی پرداخت می‌شود و کارکنان بخش دولتی به دلیل نرخ بیکاری بالا در جامعه، زیاد نسبت به تغییرات مالیات عکس‌العمل از خود نشان نمی‌دهند، اما مع‌الوصف تغییر قوانین مالیاتی اثر معنی‌دار خود را روی تولید و اشتغال بر جای گذاشته است. دوم این که با نگاهی به واقعیت‌های حاکم بر بازار پولی کشور، می‌توان چنین گفت که با توجه به جذابیت فعالیت‌های دلالی و سوداگری در مسیر غیرتولیدی، تغییرات حجم پول در تولید و اشتغال نقش جدی و مؤثری ندارد ولی در عین حال معنی‌دار است.

۳- با نگاهی به روند داده‌های موجودی سرمایه و نتایج حاصل از تخمین مدل، متغیر موجودی سرمایه بخش خصوصی از نظر آماری معنی‌دار و دارای اثر منفی بر نوسانات اشتغال است و می‌توان گفت که در صورت افزایش موجودی سرمایه بخش خصوصی و حمایت لازم از حقوق مالکیت بخش خصوصی از طریق تصریح بودن حقوق مالکیت و خوب اجرا شدن آن، منجر به ایجاد اشتغال پایدار گشته و حرکت به سمت تعادل بازار کار را تضمین خواهد کرد.

۴- متغیر مجازی مربوط به برنامه تعدیل سال ۶۸ دارای اثر مثبت و معادل ۰/۰۰۰۷۴ است این نتیجه دلالت بر این واقعیت دارد که اجرای برنامه‌های تعدیل در این دوره دارای اثر مثبتی بر سطح اشتغال بوده است.

۵- براساس توابع عکس‌العمل آنی (IRFs) می‌توان نتیجه گرفت که یک شوک ناگهانی یا تکان‌های به‌اندازه یک انحراف معیار در متغیرهای اشتغال، تعداد نیروی کار و دستمزد تأثیر ناچیزی بر اشتغال خواهد گذاشت. این نتیجه با توجه به ساختار اقتصاد ایران که ویژگی عمده آن نبود اقتصاد بازار و سیستم رقابتی است چندان دور از انتظار نیست.

۶- نتایج تجزیه واریانس (VDCs) دلالت بر این امر دارد که در کوتاه‌مدت

مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نوسانات اشتغال، خود متغیر اشتغال است. به عبارت دیگر روند گذشته و تغییرات و تحولات بازار کار به وسیله خود اشتغال توضیح داده می‌شود و متغیرهای دیگر مانند دستمزد و تعداد نیروی کار بر نوسانات اشتغال در کوتاه‌مدت چندان اثرگذار نبوده‌اند. در این زمینه به نظر می‌رسد برخی متغیرها و عوامل همانند عوامل نهادی و قانونی و... بر نوسانات اشتغال اثرگذار می‌باشند. در طول دوره میان‌مدت اگر چه سهم متغیر تعداد نیروی کار در نوسانات اشتغال افزایش پیدا می‌کند اما همچنان سهم متغیر دستمزد ناچیز است. در بلندمدت حداکثر ۶ درصد نوسانات اشتغال را می‌توان به متغیر دستمزد نسبت داد، در بلندمدت بتدریج سهم اشتغال در نوسانات اشتغال کاهش می‌یابد (حدود ۳۰ درصد) و سهم متغیر نیروی کار به حدود ۶۶ درصد افزایش پیدا می‌کند.

با توجه به نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی مواد قانونی مربوط به اشتغال در برنامه‌ها و بویژه برنامه سوم توسعه و همچنین استفاده از الگوی تجربی Var نامقید، می‌توان گفت که با توجه به اجرای برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصاد از سال ۱۳۶۸ به بعد و گام برداشتن دولت در جهت آزادسازی اقتصاد می‌توان گفت که این تفکر در اندیشه و مبانی سیاست‌های اقتصادی ایران و منجمله بازار کار رسوخ نموده، اما در مرحله عمل ابتر مانده است و شاید بتوان گفت که تفکر اصلاح ساختار اقتصادی بر مبنای حرکت به سمت اقتصاد بازار، به علت فقدان نهادهای لازم و کارآمد بازار کار، از کارایی لازم برای حل معضل بیکاری ایران، برخوردار نبوده است.

فهرست منابع

- ۱- اچ میتوز، جان، ترجمه دکتر فائزه توتونیان، (۱۳۷۰)، روش‌های محاسبات عددی برای رشته‌های کامپیوتر و مهندسی، مشهد، انتشارات خراسان.
- ۲- اچ. پرس، ویلیام، ترجمه دکتر منصور نیکخواه بهرامی، (۱۳۷۵)، دستورالعمل‌های محاسبات عددی، مؤسسه چاپ و انتشارات، دانشگاه تهران.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)».

- ۴- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹)، *برنامه تعدیل اقتصادی براساس تجدیدنظر در نرخ ارز و جبران‌های اقتصادی آن*.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، *مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴)*، جلد سوم.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، *برنامه کلان پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۷-۱۳۷۳)*، پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه.
- ۷- سازمان برنامه و بودجه، *لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۷۲-۱۳۶۸)*، پیوست شماره ۱ فصول ۱ و ۷.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۸)، *سند برنامه سوم توسعه*، جلد اول.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۸)، *سند برنامه سوم*، جلد دوم.
- ۱۰- کینز، جان - مینیارد، *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*، ترجمه منوچهر فرهنگ (۱۳۴۸)، چاپ اول، دانشگاه تهران.
- ۱۱- گرجی، ابراهیم، (۱۳۷۲)، *ارزیابی مهم‌ترین مکاتب اقتصاد کلان*، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۱۲- *قانون برنامه چهارم توسعه*، (۱۳۸۳)، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- ۱۳- متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، *توسعه اقتصادی - انتشارات سمت تهران*.
- ۱۴- منکیو گریگوری. ن، مترجم حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسایان، (۱۳۷۴)، *اقتصاد کلان*، جلد ۱، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۱۵- هانسرمن، دوان و لیتل فیلد، بروس، ترجمه امیرهوشنگ غیوری، (۱۳۸۱)، *راهنمای جامع MATLAB6*، انتشارات شایگان، تهران.
- 16- Ball, N.G.Mankiw, and D.Romer, (1988), "*The New Keynesian Economic & Output Inflation Trade-OFF*"; *Brooking Papers on Economics Activity*, vol.1.
- 17- Gianni Amisano e Massimiliani Serati (1999), "Unemployment Persistence in Italy. An Econometric Analysis With Multivariate Time Varying Parrameter Models", *Ricerche Quantitative Perla Politica Economica* 1999.
- 18- Nikell, Stephen(1998), "*Unemployment: Questions and Some Answers*", *The Economic Journal* 108(may), 802, 816.
- 19- Snow don, Brian, & Etal. (1994), "*A Modern Guide to Macroeconomic*"; Published by Edward Elagar Publishing Limited.